

امت‌گرایی و عمل سیاسی: بازتاب مفاهیم ام‌القری، وحدت‌طلبی و نفی سلطه در سیاست خارجی ایران

علیرضا عابدی^{*۱}

حمید سعیدی‌جوادی^۲

حسین کریمی‌فرد^۳

چکیده

هدف: اندیشه امت‌گرایی به‌عنوان یکی از مبانی کلیدی در نظام فکری جمهوری اسلامی ایران، نقش مؤثری در شکل‌گیری سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است. این مقاله با هدف تحلیل و تبیین تأثیر مفاهیم ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب در چارچوب اندیشه امت‌گرایی، به بررسی رابطه نظریه و عمل سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که چگونه اندیشه امت‌گرایی از طریق این مفاهیم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است، و فرضیه تحقیق این است که این اندیشه، به‌ویژه مفهوم ام‌القری، موجب اتخاذ رویکردی فراملی و ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است.

روش‌شناسی پژوهش: روش‌شناسی این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مبانی نظری و مصادیق عملی مفاهیم مورد نظر بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: مطابق با یافته‌ها سیاست خارجی ایران در چارچوب اندیشه امت‌گرایی صرفاً بر منافع ملی متمرکز نیست. در این چارچوب تأکید عمده بر تحقق وحدت اسلامی، مبارزه با استکبار و صدور ارزش‌های انقلاب است. چنین رویکردی باعث شده جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی، سیاستی فراملی و ایدئولوژیک اتخاذ کند. این نوع سیاست، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای تعاملات سیاسی و دیپلماتیک کشور به‌همراه داشته است. **نتیجه‌گیری:** نتایج عملی پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه امت‌گرایی موجب شده سیاست خارجی جمهوری اسلامی با رویکردی فراملی و ایدئولوژیک، به‌طور فعال در حمایت از جنبش‌های اسلامی و توسعه نفوذ منطقه‌ای عمل کند.

کلیدواژه‌ها: امت‌گرایی، ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه، صدور انقلاب، سیاست خارجی ایران.

Email: a.abedi9386@iaiu.ir

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: ha.saeedijavadi@iaiu.ac.ir

۲- استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد
اسلامی، مشهد، ایران.

Email: Hk.karimi119@iaiu.ac.ir

۳- دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد
اسلامی، اهواز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

مقدمه

اندیشه امت‌گرایی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام فکری جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و به‌ویژه سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است. این اندیشه، که بر محور وحدت و همبستگی مسلمانان سراسر جهان به‌مثابه یک امت واحد تأکید دارد، با تأکید بر مفاهیمی همچون «ام‌القری»، «وحدت‌طلبی»، «نفی سلطه» و «صدور انقلاب» به عنوان شاخص‌های اصلی، مسیر و جهت سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین کرده است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس خود، با تکیه بر آموزه‌های دینی و سیاسی برخاسته از امت‌گرایی، تلاش کرده است تا فراتر از مرزهای جغرافیایی ملی، نقش رهبری و هدایت جهان اسلام را بر عهده گیرد. این نگرش، به‌طور مستقیم در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن تجلی یافته است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه اندیشه امت‌گرایی با مفاهیم بنیادینی چون ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از چارچوب منافع صرفاً ملی فراتر برده و به آن ماهیتی ایدئولوژیک و فراملی بخشیده است. این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد مفاهیم ایدئولوژیک و دینی تا چه اندازه می‌توانند در شکل‌گیری راهبردهای سیاست خارجی در نظام‌های سیاسی تأثیرگذار باشند. بررسی میزان تطابق میان نظریه و عمل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این راستا دارای اهمیت است. به‌ویژه تمرکز بر این است که تا چه حد آموزه‌ها و مفاهیم ایدئولوژی امت‌گرایی در عمل اجرایی شده‌اند. در این راستا، پرسش اصلی این است که چگونه اندیشه امت‌گرایی از طریق مفاهیم ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است؟ پژوهش درصدد است تا این ارتباط پیچیده میان ایدئولوژی و عمل سیاسی را در سیاست خارجی ایران تحلیل کند. هدف مقاله، بررسی و تحلیل تأثیر مفاهیم ام‌القری (به‌عنوان نماد محوریت و رهبری اسلامی)، وحدت‌طلبی (به معنای همگرایی امت اسلامی)، نفی سلطه (در مفهوم مبارزه با استکبار جهانی) و صدور انقلاب (به‌عنوان گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی) در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این هدف، با تمرکز بر رابطه میان نظریه و عمل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود تا روشن شود این مفاهیم نه صرفاً به‌عنوان شعارهای ایدئولوژیک، بلکه به‌مثابه راهبردهایی عملی در دیپلماسی و مناسبات بین‌المللی به‌کار گرفته شده‌اند. فرضیه تحقیق این است که اندیشه امت‌گرایی، به‌ویژه مفهوم ام‌القری، موجب شکل‌گیری سیاستی فراملی و ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است؛ سیاستی که در عمل به حمایت فعال از جنبش‌های اسلامی و تلاش برای صدور انقلاب انجامیده است. این مفاهیم، در عرصه عمل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از چارچوب سنتی منافع ملی خارج ساخته و آن را به الگویی مبتنی بر هویت دینی و رسالت‌محور بدل کرده‌اند. چنین سیاستی بر ایفای نقش رهبری و حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی در سطح منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد؛ امری که جمهوری اسلامی را به بازیگری فعال و تأثیرگذار در جهان اسلام تبدیل کرده، اما هم‌زمان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است. روش‌شناسی این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل

نظری مفاهیم امت‌گرایی با تکیه بر رویکرد سازه‌انگاری پرداخته و با بررسی مصادیق عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، رابطه نظریه و عمل را تحلیل می‌کند. هدف نهایی، تبیین تأثیر اندیشه امت‌گرایی بر سیاست خارجی ایران و فراهم ساختن زمینه‌ای برای مطالعات آینده در حوزه ارتباط میان ایدئولوژی و سیاست خارجی در نظام‌های دینی و ایدئولوژیک است.

پیشینه تحقیق

غرایق زندی (۱۳۸۶)، در مقاله «مفهوم انسجام اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، انسجام اسلامی را جایگزینی عملی‌تر از وحدت اسلامی معرفی کرده که بر همکاری مستمر بین کشورهای اسلامی تأکید دارد. زارعی (۱۳۹۰)، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، امت‌گرایی را فراتر از ملی‌گرایی دانسته و آن را دستور اسلام و عامل وحدت مسلمانان معرفی کرده است. صبوری و صالحیان (۱۳۹۲)، در مقاله «آزمون‌پذیری نظریه سازه‌انگاری در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم (۱۳۹۱-۱۳۸۴)»، با استفاده از نظریه سازه‌انگاری، تأثیر ایدئولوژی و هنجارها را بر سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم بررسی کرده و نشان داده‌اند که مواردی مانند امت‌گرایی، عدالت‌طلبی، صدور انقلاب و وحدت‌طلبی در سیاست خارجی بازتاب ایدئولوژی و هنجارها هستند. خانی و محمدی سیرت (۱۳۹۵)، «تأثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره)»، با بررسی مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی امام خمینی(ره)، بر نقش وحدت اسلامی، امت واحد، و صدور انقلاب به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی امنیت و منافع ملی تأکید کرده‌اند. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶)، در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ضمن بررسی نظریه و عمل سیاست خارجی کشور، اصولی چون نفی سلطه‌گری، عدالت‌طلبی، حمایت از مستضعفان و وحدت جهان اسلام را برجسته کرده و اهداف فراملی مانند صدور انقلاب و تشکیل امت واحد اسلامی را تشریح کرده است. قاسمی (۱۳۹۸) در مقاله «آرمان امنیت امت مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، شاخصه‌های وحدت، استقلال، نفی سلطه و عدالت‌محوری را به‌عنوان مبانی امنیت امت واحد مطرح کرده و موانع تحقق آن مانند تفرقه و فرقه‌گرایی را شناسایی کرده است. حسین‌خانی (۱۳۹۳)، در مقاله «امت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تطبیق دکترین‌های ام‌القری و تعامل فراینده» به بررسی تحول اندیشه امت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و نشان داده است که دکترین ام‌القری از آرمان‌گرایی اوایل انقلاب به واقع‌گرایی و تعامل فراینده پس از ۱۱ سپتامبر تغییر کرده است. مولانا و محمدی (۱۳۸۷)، در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت محمود احمدی‌نژاد»، نقش برجسته اندیشه امت‌گرایی، عدالت‌طلبی و وحدت اسلامی را در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد نشان داده‌اند. ناظمی اردکانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله «نقش قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در جنبش بیداری اسلامی جهان اسلام»، بر قدرت نرم انقلاب اسلامی در الهام‌بخشی به جنبش‌های بیداری اسلامی و تأکید بر عدالت‌طلبی و وحدت اسلامی تمرکز دارند. میرمحمدی (۱۴۰۰)،

در مقاله «ناسیونالیسم در میان ملل مسلمان و غرب و تأثیر امت‌گرایی بر اتحاد جهان اسلام»، ضمن تحلیل تعامل ناسیونالیسم و امت‌گرایی، تأکید جمهوری اسلامی بر امت‌گرایی را در قالب حمایت از جنبش‌های اسلامی و ایجاد وحدت جهان اسلام برجسته می‌سازد. هژیر و دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۱)، در مقاله «مقایسه سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک»، بر این مسئله تأکید دارند که هر دو دولت نظام جهانی را ناعادلانه و سلطه‌گر دانسته و از این جهت سیاست خارجی خود را سامان داده‌اند. فرزانه‌پور و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله «محیط آنارشیک و سرورگرز بین‌المللی و لزوم بازخوانی نظریه ام‌القزایی؛ چالش‌های همگرایی در جهان اسلام»، ضمن پرداختن به مسئله ام‌القزوی و چالش‌های آن، تأکید می‌کند که رقابت میان کشورهای مدعی مانع تحقق وحدت و امت‌گرایی در جهان اسلام شده است. پژوهش حاضر با تحلیل هم‌زمان و پیوسته مفاهیم ام‌القزوی، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب، پیوند بین اندیشه و عمل سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت جامع بررسی می‌کند. این رویکرد جامع و تلفیقی، همراه با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های تحقق این مفاهیم، نوآوری اصلی این مطالعه در مقایسه با مطالعات پیشین است.

چارچوب نظری سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی مبتنی بر امت‌گرایی

نیکلاس اونف^۱ اولین پژوهشگری بود که در سال ۱۹۸۹ اصطلاح «سازه‌انگاری»^۲ را در حوزه روابط بین‌الملل معرفی کرد. این رویکرد بر فرآیندهای اجتماعی و نحوه ساخته شدن واقعیت‌های سیاسی و بین‌المللی تأکید می‌کند (کاهان^۳، ۲۰۱۸: ۱۷۸). از نظر سازه‌انگاران، ساختارها، نهادها و کنشگران بیشتر جنبه ذهنی یا گفتمانی دارند و وجود آنها مبتنی بر درک انسانی است. آنها ضمن پذیرش واقعیت‌های مادی، به اهمیت ایده‌ها، قواعد و هنجارها نیز تأکید می‌کنند و نقش برجسته‌ای برای روابط بین‌الذهانی در شکل‌دهی به واقعیت‌ها قائل‌اند (گوزینی^۴، ۲۰۰۰: ۱۶۰). سازه‌انگاری سه اصل هستی‌شناسانه دارد: اول، ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ دوم، هویت‌ها منافع و رفتار بازیگران را شکل می‌دهند؛ و سوم، ساختارها و کارگزاران به‌طور متقابل یکدیگر را می‌سازند. این نظریه تأکید می‌کند که ساختارهای معنایی و هنجاری هویت‌های اجتماعی بازیگران را شکل می‌دهند و این هویت‌ها بر منافع و رفتار آنها تأثیر گذارند (برچیل^۵ و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۵۴). سازه‌انگاران معتقدند که واقعیت‌های بین‌المللی از طریق ساختارهای ذهنی معنا پیدا می‌کنند و بازیگران بر اساس این معانی نسبت به دیگران رفتار می‌کنند؛ بر این اساس، واکنش‌ها به دوست و دشمن متفاوت است. به گفته آدلر^۶، هویت دولت‌ها مبنای فهم آنها از قدرت، منافع، امنیت و روابط با دیگران است و کشورها مانند افراد، تحت تأثیر هویت و ارزش‌های خود رفتار

1. Nicholas Onuf

2. Constructivism

3. Cahan

4. Guzzini

5. Burchill

6. Adler

می‌کنند. به عبارت دیگر، باورها و هنجارها زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت و منافع بازیگران هستند (رفیع، ۲۰۱۵: ۱۸۱). بر این مبنا، فرگوسن^۱ و منزباخ^۲ معتقدند در عصر پسابین‌الملل، جوامع سیاسی متنوعی وجود دارند که هویت‌های مختلف را نشان می‌دهند. به‌ویژه هویت‌های دینی جای هویت‌های شهروندی سنتی را گرفته‌اند (مشیرزاده، ۲۰۱۵: ۳۶). همچنین اقدامات یک دولت نیز باید با هویت آن همسو باشد. بنابراین یک دولت نمی‌تواند برخلاف هویت خود عمل کند، زیرا این امر اعتبار هویت، از جمله ترجیحات آن را زیر سؤال می‌برد (دیز، ۲۰۱۸: ۲).

اندیشه امت‌گرایی و مفاهیمی مانند ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران، همگی بر پایه هویت، باورها و ارزش‌های ایدئولوژیک شکل گرفته‌اند؛ بنابراین، تحلیل این پدیده‌ها بدون چارچوب نظری که به نقش هنجارها و هویت‌ها در سیاست خارجی بپردازد، ناقص خواهد بود. نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، چارچوب مناسبی برای فهم این موضوع ارائه می‌دهد، چراکه برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایانه و لیبرالی که بر منافع مادی و قدرت تمرکز دارند، سازه‌انگاری به بررسی تأثیر هویت‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی در شکل‌دهی رفتار بازیگران در عرصه بین‌المللی می‌پردازد (ارباس^۳، ۲۰۲۲: ۵۰۷۸). نظریه سازه‌انگاری بر این فرض استوار است که واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله سیاست خارجی، نه فقط محصول عوامل مادی، بلکه ساختار یافته و ساخته شده توسط هنجارها، ارزش‌ها و باورهای جمعی هستند. در این چارچوب، هویت‌ها و باورها به عنوان متغیرهای کلیدی مطرح می‌شوند که می‌توانند رفتار بازیگران را تغییر داده یا جهت دهند. به عبارتی، سیاست خارجی یک کشور را نمی‌توان صرفاً بر اساس منافع اقتصادی یا قدرت نظامی آن تحلیل کرد، بلکه باید عوامل غیرمادی مانند هویت ملی، ایدئولوژی و هنجارهای غالب در جامعه سیاسی آن کشور را نیز در نظر گرفت (الطراونه^۴، ۲۰۲۴: ۳۸۷). هویت‌ها رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد؛ بر اساس هویتی که تعریف می‌شود، دیگران دوست یا دشمن شمرده می‌شوند و سیاست‌ها و اتحادها نیز متفاوت است. منافع ملی نیز بر پایه همین هویت تعریف و سیاست خارجی بر آن اساس تنظیم می‌شود (کوهکن و نزاکتی، ۲۰۱۴: ۲۱۱).

در تحلیل موضوع مقاله، مفهوم «امت‌گرایی» به عنوان یک هویت جمعی دینی مطرح است که به شکل‌گیری هنجارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. در ادبیات سیاسی مسلمانان، مفهوم امت نشان‌دهنده نوعی وفاداری دینی است که فراتر از تفاوت‌های فرقه‌ای، قومی، نژادی و زبانی عمل می‌کند. امت پدیده‌ای فراملی و فراقومی است که اعضای آن با اعتقاداتی مشترک، هدفی واحد و رهبری مشترک، به واسطه پیوندهای دینی و احساس اخوت اسلامی به هم متصل می‌شوند (خانی، ۲۰۱۴: ۱۲). امت‌گرایی که در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران برجسته شده است، بر وحدت امت اسلامی

1. Ferguson

2. Manzbach

3. Theys

4. Erbas

5. Al Tarawneh

و مقابله با سلطه‌گری جهانی تأکید دارد. در نظام جمهوری اسلامی اندیشه دفاع از حقوق مسلمانان که همگام با نظریه صدور انقلاب بود، مسلمان جهان را به صورت امت واحده لحاظ داشته و این مسئله در قانون اساسی نیز تبیین گردید (میرحمودی، ۲۰۲۱: ۳۳۰). امت‌گرایی به‌طور عملی با شاخص‌های ذیل مشخص می‌شود:

- تلاش جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد اتحاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای مسلمان،
- حمایت فعال و مداوم از جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی در سطح منطقه و جهان،
- اتخاذ سیاست‌های ضد سلطه و مبارزه با نفوذ قدرت‌های خارجی در کشورهای مسلمان،
- صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان
- تأکید بر مفهوم ام‌القری به عنوان نماد رهبری امت اسلامی (میرحمودی، ۲۰۲۱: ۳۳۰).

این شاخص‌ها به‌عنوان معیارهای قابل اندازه‌گیری و مشاهده برای تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در چارچوب امت‌گرایی به کار می‌روند. در این چارچوب، «ام‌القری» نماد رهبری معنوی و محوریت جهان اسلام در باورهای جمهوری اسلامی است که نوعی هویت ایدئولوژیک را شکل می‌دهد و سیاست خارجی ایران را فراتر از مرزهای جغرافیایی محدود می‌کند. همچنین، مفاهیمی مانند «وحدت‌طلبی» و «نفی سلطه» به عنوان هنجارهایی تعیین‌کننده در سیاست خارجی ایران قابل فهم هستند که رفتارهای این کشور را در حمایت از جنبش‌های اسلامی و مقابله با استکبار جهانی هدایت می‌کنند. از منظر سازه‌انگاری، این هنجارها و هویت‌ها نه تنها معنا و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کنند، بلکه در فرآیند تعاملات بین‌المللی نیز به صورت پویایی شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. به این معنا که ایران، با استناد به این باورها، به یک بازیگر فراملی و ایدئولوژیک تبدیل شده است که بر صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌های اسلامی تأکید دارد. این رفتارها ناشی از نوعی «هویت سیاسی» است که در بستر آموزه‌های دینی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ساخته شده است (رشید کردستانی و ازغندی، ۲۰۲۰: ۱۵۲)؛ و سازه‌انگاری این پویایی هویت و سیاست را قابل تحلیل می‌سازد.

ابعاد نظری و کاربردی مفاهیم اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

در این بخش به بررسی ابعاد نظری و کاربردی چهار مفهوم ام‌القری، وحدت‌طلبی، نفی سلطه و صدور انقلاب پرداخته می‌شود تا نقش و تأثیر آنها در شکل‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحلیل گردد.

مفهوم ام‌القری و جایگاه آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مفهوم ام‌القری که ریشه در آموزه‌های اسلامی و دیدگاه فقها و متفکران معاصر دارد، جایگاه ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در رهبری و هدایت جهان اسلام قائل است و به طور مستقیم بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور تأثیر می‌گذارد.

ریشه‌ها و ابعاد

واژه ام‌القری (به معنای مادر شهرها یا مرکز شهرها) در قرآن کریم در اشاره به شهر مکه به کار رفته است (وَلْتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا - انعام: ۹۲). این عنوان، نمادی از مرکزیت دینی، فرهنگی و معنوی برای جهان اسلام است (حاجی بابایی، ۲۰۰۹: ۸۷). به لحاظ عملی، به علت طولانی و فرسایشی شدن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و بروز مشکلات داخلی زیاد، بویژه در عرصه‌های اقتصادی و امنیتی، سبب شد تا امام خمینی(ره) نظام جمهوری اسلامی ایران را «نماد عینی» اسلام دانسته و اصل «حفظ نظام» را در رأس امور قرار دهند. این مسئله همچنین سبب شد تا دکتربین ام‌القرای جهان اسلام توسط محمد جواد لاریجانی در سال ۱۳۶۳، مطرح شود که هدف اصلی آن حفظ نظام است. به اعتقاد لاریجانی برای حفظ ام‌القری، باید نسبت به منافع کل بلاد اسلامی نوعی اولویت قائل بود (خانی، ۲۰۱۴: ۱۵). بنابراین از مهمترین متغیرهای عملی این نظریه می‌توان به وظیفه دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام‌القرای شیعه و تقویت آن، ایجاد کانون‌های متعدد مقاومت در برابر هژمونی جهانی فراسوی مرزهای جغرافیایی، افزایش نفوذ منطقه‌ای، وظیفه حمایت از امت اسلامی و در نتیجه وظیفه مبارزه با ظلم و سلب، داشتن مسئولیت‌های فراملی، ترجیح و اولویت مصالح جهان اسلام در برابر منافع ملی و ... اشاره داشت (خانی، ۲۰۱۴: ۱۵). در اندیشه سیاسی اسلامی معاصر، به ویژه در گفتمان انقلاب اسلامی، این مفهوم فراتر از معنای جغرافیایی خود بسط یافته و به یک مدل حکومتی یا یک کشور مرجع در جهان اسلام اطلاق می‌شود که ویژگی‌های زیر را داراست:

– **حکومت اسلامی مبتنی بر شریعت:** کشوری که توانسته است یک نظام سیاسی بر اساس مبانی اسلامی (به ویژه ولایت فقیه در دیدگاه شیعه) را مستقر کند و احکام الهی را به صورت جامع پیاده سازد. این بعد، آن را از دیگر کشورهای اسلامی که ممکن است سکولار یا دارای نظام‌های غیرمذهبی باشند، متمایز می‌کند (خانی و محمدی سیرت، ۲۰۱۶: ۹۷).

– **استقلال و نفی سلطه:** ام‌القری باید کاملاً مستقل از نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی باشد و اصل «نفی سبیل» را به معنای واقعی کلمه پیاده کند. این کشور الگو، نباید تحت سلطه هیچ ابرقدرتی باشد، بلکه باید خود محور استقلال و مقاومت باشد (دهشیری، ۱۹۹۸: ۳-۴).

– **پیشگامی در مبارزه با استکبار و صهیونیسم:** یکی از وظایف ام‌القری، پیشگامی در مبارزه با دشمنان اصلی جهان اسلام، یعنی استکبار جهانی (به ویژه آمریکا) و رژیم اسرائیل است. این کشور باید پرچمدار حمایت از آرمان فلسطین و مستضعفین جهان باشد.

– **پشتیبانی از نهضت‌های اسلامی:** ام‌القری وظیفه دارد از جنبش‌های اسلامی و بیداری ملت‌های مسلمان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی حمایت کند و الگویی برای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی باشد (خلیلی و آزموده، ۲۰۱۰: ۱۱۰).

– **کفایت درونی و خوداتکایی:** ام‌القری برای ایفای نقش رهبری، باید از توانایی‌های داخلی بالایی در ابعاد علمی، اقتصادی، و نظامی برخوردار باشد تا بتواند بدون وابستگی به دیگران، اهداف خود را دنبال کند و به دیگران نیز کمک کند (خانی، ۲۰۱۴: ۲۰).

– مرجعیت فکری و فرهنگی: این کشور باید از نظر فکری و فرهنگی، مرکز تولید و ترویج اندیشه‌های اصیل اسلامی و نوگرایی دینی باشد و بتواند به‌عنوان یک الگو برای دیگر جوامع اسلامی عمل کند (کلاتنری و وفقی، ۲۰۱۵: ۲). در ادامه به جایگاه جمهوری اسلامی در مفهوم ام‌القری پرداخته می‌شود.

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در مفهوم ام‌القری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران بر اساس ویژگی‌های متمایز خود، خود را مصداق ام‌القری در دوران معاصر معرفی کرده است. این ادعا بر پایه‌های زیر استوار است:

۱- استقرار نظام ولایت فقیه که تنها در جمهوری اسلامی ایران به شکل کامل اجرا شده است (فرزندی اردکانی، ۲۰۰۸: ۱۰۸).

۲- تجربه مبارزه مداوم با استکبار جهانی به ویژه آمریکا و رژیم اسرائیل که ایران را به الگویی برجسته در مقاومت علیه سلطه خارجی در جهان اسلام بدل کرده است.

۳- پشتیبانی آشکار و عملی از جنبش‌های مقاومت در فلسطین، لبنان و دیگر مناطق.

۴- پیشرفت‌های علمی، فناوری و نظامی ایران علی‌رغم تحریم‌ها که توانایی خوداتکایی و قدرت منطقه‌ای لازم برای ایفای نقش رهبری را فراهم آورده است.

۵- ارائه الگویی مستقل دینی-سیاسی توسط انقلاب اسلامی که الهام‌بخش بسیاری از ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی در منطقه و جهان بوده و ایده‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای درباره بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی بازتاب گسترده‌ای یافته است (بیژن، ۲۰۱۶: ۹۵).

تأثیر مفهوم ام‌القری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی

پذیرش جایگاه ام‌القری برای ایران، تأثیرات عمیقی بر سیاست خارجی این کشور گذاشته است. در این راستا پیوند بین نظریه و عمل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به چندین صورت قابل تبیین است:

– ایده، به‌عنوان محرک و چارچوب هنجاری: نظریه ام‌القری، چارچوب معنایی و هنجاری مشخصی برای کنشگران سیاست خارجی ایران فراهم می‌آورد. این نظریه مانند یک نقشه راه عمل می‌کند که منافع، هویت و ارزش‌های ایدئولوژیک را با یکدیگر تلفیق می‌کند. این دیدگاه ایران را به نقشی فعال در جهان اسلام و حمایت از ارزش‌ها و جنبش‌های فراملی ملزم می‌کند. بر اساس آن، ایران موظف به ترویج ایدئولوژی و مدل حکومتی خود در سطح بین‌المللی و بر عهده گرفتن نقش رهبری یا حمایت از جوامع هم‌باور است (محمودی کیا و دهشیری، ۲۰۲۰: ۱۸-۱۹).

– تجلی در انتخاب اولویت‌ها و متحدان: در عمل، سیاست خارجی ایران با اولویت‌بخشی به جهان اسلام، حمایت از جنبش‌های مقاومت و مقابله با نظام سلطه و رژیم صهیونیستی نشان داده است که نظریه ام‌القری بر انتخاب هم‌پیمانان و دشمنان اثرگذار است. در چارچوب ام‌القری، تقویت وحدت و همبستگی جهان اسلام و حل مشکلات آن، از اولویت‌های سیاست خارجی ایران است. این امر به معنای گسترش روابط با کشورهای

اسلامی، تقویت سازمان‌های بین‌المللی اسلامی و تلاش برای حل اختلافات میان آن‌هاست (کوهکن و دولابی، ۲۰۲۳: ۲۲۶).

- جهت‌گیری ضد استکباری و ضد صهیونیستی: مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی، به دلیل جایگاه ام‌القری، به یک اصل ثابت و تغییرناپذیر در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است. این رویکرد، روابط ایران با غرب را تحت تأثیر قرار داده و به تنش‌هایی نیز منجر شده است (خانی و محمدی سیرت، ۲۰۱۶: ۱۰۵).
- قدرت‌سازی و افزایش نفوذ منطقه‌ای: نظریه ام‌القری تنها یک آرمان ایدئولوژیک نیست، بلکه مستلزم قدرت‌سازی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و نرم است تا ایران بتواند نقش رهبری خود را در جهان اسلام ایفا کند. بنابراین، تلاش‌های گسترده برای توسعه توان موشکی، فناوری‌های دفاعی و دیپلماسی نرم، در راستای تحقق این نظریه صورت می‌گیرد و بیانگر تلفیق نظریه و عمل است (خانی و محمدی سیرت، ۲۰۱۶: ۱۰۸).

- تلاش برای ایجاد هژمونی منطقه‌ای در چارچوب ایدئولوژیک امت‌گرایی: در این راستا، ایران بر ایجاد محور مقاومت تأکید دارد؛ حمایت از گروه‌های مقاومت نه تنها اقدامی سیاسی، بلکه تکلیف دینی و عملی برای تأمین امنیت منطقه و مقابله با دشمنان به شمار می‌رود (خانی و محمدی سیرت، ۲۰۱۶: ۱۰۴). به‌طور کلی، مفهوم ام‌القری در گفتمان انقلاب اسلامی، ایران را به‌عنوان مرکزی الگو و مسئول رهبری جهان اسلام معرفی کرده که سیاست خارجی‌اش آرمان‌گرایانه، ضد استکباری و حامی مقاومت منطقه‌ای است. در چارچوب سازه‌انگاری، ساختارهای هویتی (مانند ام‌القری) و کنشگران (دولت، نهادهای نظامی و دیپلماتیک) به‌طور متقابل یکدیگر را می‌سازند. بنابراین، سیاست خارجی ایران هم نظریه را به عمل تبدیل می‌کند و هم از طریق تجربه عملی و بازخوردهای میدانی، معنای ام‌القری را بازتولید و تعدیل می‌کند. این تعامل، پیوند مستمر و زنده بین نظریه و عمل را تضمین می‌کند.

صدور انقلاب اسلامی: ابعاد نظری و عملی در سیاست خارجی ایران

در این بخش به ابعاد نظری و عملی مفهوم صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران پرداخت می‌شود.

مفهوم و اهداف صدور انقلاب

مفهوم صدور انقلاب، از مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و برگرفته از دیدگاه‌های امام خمینی(ره) است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد. این مفهوم، فراتر از مرزهای جغرافیایی، به دنبال ترویج ارزش‌ها، آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح جهان، به‌ویژه در جهان اسلام و در میان ملت‌های مستضعف است (فرزندی اردکانی، ۲۰۰۸: ۹۷). صدور انقلاب به معنای تلاش و اقدام یک کشور یا جریان انقلابی برای گسترش ایده‌ها، ارزش‌ها و اهداف انقلاب خود به دیگر کشورها و جوامع است. یعنی انقلاب، تنها به مرزهای داخلی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌کوشد با حمایت، آموزش، هدایت یا حتی کمک‌های سیاسی و نظامی، الگوی خود را در مناطق دیگر نیز پیاده کند. امام خمینی(ره) در ارتباط با معنای صدور انقلاب می‌فرمایند: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند، همه دولت‌ها

بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند ... نجات بدهند» (خمینی، ۲۰۱۰، ج ۲: ۵۲۹). اهداف اصلی این مفهوم را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- بیداری اسلامی و رهایی از استبداد و استعمار: هدف اصلی، الهام‌بخشی به ملت‌های مسلمان و مستضعف برای قیام علیه حکام مستبد داخلی و رهایی از سلطه قدرت‌های استعماری و استکباری بود.
- احیای هویت اسلامی و وحدت امت: صدور انقلاب به دنبال تقویت حس هویت اسلامی مشترک و مبارزه با ناسیونالیسم‌های تفرقه‌افکن بود. هدف آن، بازگرداندن مسلمانان به مفهوم امت واحد و بسیج آن‌ها در برابر دشمنان مشترک بود (ازغندی، ۲۰۰۲: ۱۳-۱۲).
- مبارزه با ظلم و استکبار جهانی: صدور انقلاب، تجلی عملی آرمان مبارزه با «شیطان بزرگ» (آمریکا) و رژیم صهیونیستی در سطح فراملی بود. جمهوری اسلامی خود را موظف می‌دانست که به‌عنوان پیشگام این مبارزه، به ملت‌های تحت ستم کمک کند تا از یوغ ستم رها شوند (مولانا و محمدی، ۲۰۰۸: ۳۰).
- تشکیل جبهه واحد مستضعفین: امام خمینی(ره) به تشکیل یک «جبهه مستضعفین» در برابر «جبهه مستکبرین» اعتقاد داشتند. صدور انقلاب، به معنای گسترش این جبهه و همبستگی میان تمام مظلومان عالم، فارغ از دین و نژاد بود (رشید کردستانی و ازغندی، ۲۰۲۰: ۱۶۸-۱۶۶). در ادامه به ابزارها و روش‌های صدور انقلاب پرداخته می‌شود.

ابزارها و روش‌های صدور انقلاب

برای تحقق اهداف صدور انقلاب، ابزارها و روش‌های متنوعی عمدتاً غیرنظامی و مبتنی بر قدرت نرم به کار گرفته شد: تبلیغ و تبیین ارزش‌ها شامل انتشار پیام‌های انقلاب از طریق رسانه‌ها، اعزام مبلغان، برگزاری کنفرانس‌ها و ارائه الگوهای موفق حکمرانی اسلامی و مبارزه با ستم. حمایت معنوی و سیاسی شامل حمایت دیپلماتیک از جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش، موضع‌گیری‌های بین‌المللی، کمک‌های بشردوستانه و ارائه مشورت‌های فکری به آن‌هاست (عراقی، ۲۰۱۵: ۱۶۵). همچنین الگوسازی داخلی و دیپلماسی انقلابی از دیگر ابزارهاست؛ موفقیت‌های انقلاب در حوزه‌های علمی، اقتصادی و دفاعی، ایران را به الگویی الهام‌بخش برای ملت‌های مسلمان تبدیل کرد. امام خمینی(ره) معتقد بودند که «اگر ما موفق بشویم یک دولت اسلامی صحیح را در ایران درست کنیم، این خودش صادر می‌شود» (خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۹: ۴۱۴). این مسئله نشان می‌دهد که امام خمینی(ره)، به الگوسازی نظام اسلامی برای این هدف متعالی توجه داشته‌اند. همچنین دستگاه دیپلماسی ایران، علاوه بر روابط رسمی دولت‌ها، به دنبال گسترش روابط با نخبگان، علما و مردم در کشورهای اسلامی بود تا از این طریق، پیام انقلاب را منتقل سازد. برگزاری کنفرانس‌های وحدت اسلامی و بیداری اسلامی، از مصادیق این دیپلماسی است. به گفته امام خمینی(ه): «ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز، وزارت امور خارجه است که باید مسائل ایران و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و

غرب داشته است، به دنیا برساند و به دنیا بگوید که می‌خواهیم این‌گونه عمل کنیم و روابط حسنه داشته باشیم» (خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۹: ۴۱۴).

تأثیر مفهوم صدور انقلاب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی

در اوایل انقلاب مفهوم صدور انقلاب به چند نکته مشخص اشاره داشت: اولین نکته مشخص ترویج اسلام سیاسی و نظام جمهوری اسلامی بود. در این مسیر حتی در دهه ۱۳۶۰ اقدامات نظامی، مانند آنچه در لبنان علیه رژیم صهیونیستی انجام شد (اصفری و همکاران، ۲۰۲۵: ۴۲۸)، نیز صورت می‌گرفت. انقلاب ایران یک انقلاب مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام شیعی بود. هدف، گسترش این مدل حکومت اسلامی در کشورهای دیگر و مخالفت با نظام‌های شاهنشاهی، سلطنتی و وابسته به غرب در منطقه بود (بهستانی و نساچ، ۲۰۲۳: ۵۴). نکته دیگر حمایت از گروه‌های انقلابی و ضداستبداد در منطقه بود. ایران سعی داشت از گروه‌هایی که خواهان براندازی رژیم‌های وابسته به آمریکا و غرب در خاورمیانه بودند، حمایت کند. نکته دیگر ایجاد یک جبهه مقاومت در برابر استکبار جهانی بود، مخصوصاً مخالفت با آمریکا و اسرائیل که به‌عنوان نمادهای ظلم و استکبار شناخته می‌شدند. همچنین می‌توان به نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک اشاره داشت: با ارسال مبلغان دینی، ایجاد مراکز فرهنگی و کمک به گروه‌های معارض، انقلاب اسلامی ایران می‌خواست پیام خود را به دیگر کشورها منتقل کند (ذولفقاری، ۲۰۲۳: ۵۰).

در چارچوب سیاست صدور انقلاب و اندیشه امت‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران حمایت گسترده و همه‌جانبه‌ای از جنبش‌های آزادی‌بخش، گروه‌های مقاومت و مستضعفان جهان داشته است. این حمایت‌ها در حوزه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای بروز یافته است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، ارائه کمک‌های نظامی و امنیتی است. این کمک‌ها شامل تأمین تسلیحات، آموزش نیروهای نظامی و اعزام مستشاران متخصص می‌شود. ایران با انتقال دانش نظامی و تجهیزات پیشرفته، به گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حماس، انصارالله یمن و حشد الشعبی عراق توانسته است قدرت نظامی آنان را به‌طور قابل توجهی ارتقاء دهد (وزیریان، ۲۰۲۱: ۵۶). در حوزه سیاسی، ایران با فعال‌سازی دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی، حمایت خود را از جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت نشان داده است. جمهوری اسلامی با مشارکت در سازمان‌های اسلامی و همکاری با کشورهای همسو، تلاش کرده جایگاه و مشروعیت گروه‌های مقاومت را تقویت کند. همچنین از طریق نمایندگی‌های دیپلماتیک و تعامل با دولت‌های منطقه، زمینه‌های سیاسی لازم برای فعالیت این گروه‌ها را فراهم کرده است. از جمله اقدامات سیاسی ایران، حمایت از مذاکرات و توافق‌های منطقه‌ای است که منافع گروه‌های مقاومت را تضمین می‌کند؛ مانند توافقات در عراق و حمایت از دولت قانونی سوریه در برابر مخالفان و دخالت‌های خارجی. به‌عنوان نمونه، ایران به درخواست دولت سوریه حضور مستشاری داشته و از حکومت رسمی در مقابل گروه‌های تروریستی مانند داعش حمایت کرده است (فدایی دولت و آقای، ۲۰۲۰: ۲۰۳).

کمک‌های فرهنگی جمهوری اسلامی نقش مهمی در تقویت روحیه مقاومت و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی داشته‌اند. ایران با برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها، دوره‌های آموزشی و حمایت از مؤسسات فرهنگی مرتبط با جنبش‌های مقاومت، آموزه‌های دینی و سیاسی انقلاب را منتقل و هویت و انسجام گروه‌ها را تقویت کرده است. اعزام مبلغین دینی نیز به گسترش مکتب مقاومت و همبستگی اسلامی در جوامع مسلمان کمک کرده است. در عرصه رسانه، ایران با راه‌اندازی شبکه‌هایی مانند المنار، العالم و پرس تی‌وی، پیام‌های سیاسی و فرهنگی خود را به مخاطبان منطقه‌ای و جهانی منتقل کرده است. این رسانه‌ها در افزایش حمایت مردمی، ایجاد همدلی و پوشش فعالیت‌های مقاومت نقش کلیدی دارند (سلیمانی و اسماعیل‌زاده، ۲۰۲۰: ۱۲۰-۱۲۵)، که به تثبیت جایگاه ایران و محور مقاومت در افکار عمومی کمک کرده است.

با این وجود، صدور انقلاب با انتقاداتی مانند اتهام دخالت در امور داخلی کشورها، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی مواجه است. برخی برداشت‌های رادیکال از این مفهوم، با سیاست رسمی همخوانی ندارد و موجب انتقادات خارجی شده است. محدودیت‌های اقتصادی نیز اجرای کامل اهداف را دشوار کرده و منتقدان آن را در تضاد با اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و عامل تنش‌های منطقه‌ای می‌دانند (بهستانی و نساج، ۲۰۲۳: ۶۴). بدین ترتیب، امت‌گرایی هم به عنوان علت و هم توجیه ایدئولوژیک سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند. از یک سو، امت‌گرایی انگیزه‌ای بنیادی برای حمایت از گروه‌های مقاومت و مستضعفان و علت اصلی جهت‌گیری سیاست خارجی انقلابی ایران است. از سوی دیگر، این مفهوم به عنوان چارچوبی ایدئولوژیک، مشروعیت‌بخش اقدامات ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز محسوب می‌شود. بنابراین، امت‌گرایی نه تنها مبنای نظری، بلکه سازوکاری عملی برای شکل‌دهی و توجیه سیاست‌های صدور انقلاب است. در تحلیلی سازه‌نگارانه نیز می‌توان گفت مفهوم «صدور انقلاب» فراتر از یک هدف سیاسی، ساختاری معنادرز است که هویت و مشروعیت نظام را در سطح بین‌المللی شکل داده و سیاست‌گذاران را به حمایت از مقاومت و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی هدایت می‌کند. این مفهوم بخشی از هویت سیاسی -ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است که منافع کشور را در قالب حمایت از مستضعفان و مقابله با استکبار جهانی تبیین می‌نماید. بدین ترتیب، صدور انقلاب هم محصول هویت جمهوری اسلامی و هم ابزاری برای تحقق منافع آن در سیاست خارجی است.

وحدت‌طلبی: محور همگرایی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

وحدت‌طلبی یعنی تلاش برای همبستگی و یکپارچگی میان مسلمانان، که در قرآن و سنت نبوی تأکید شده است. در آیه ۱۰۳ سوره «آل عمران» آمده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا...»؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید (آل عمران، ۱۰۳). در ادامه مفهوم وحدت‌طلبی و تأثیر آن بر سیاست خارجی بررسی می‌شود.

تبیین مفهوم وحدت‌طلبی

وحدت‌طلبی در گفتمان انقلاب اسلامی، فراتر از یک شعار دینی، یک استراتژی عملی برای مقابله با دشمنان مشترک است. این مفهوم دارای ابعاد مختلفی است:

- وحدت در اصول و مبانی: این بُعد بر اشتراکات اعتقادی میان مذاهب اسلامی (مانند توحید، نبوت، معاد، قرآن کریم، قبله واحد و...) تأکید دارد و اختلافات فقهی و کلامی را نباید مانع وحدت عملی دانست.
- وحدت در عمل و همبستگی سیاسی: هدف اصلی وحدت‌طلبی، ایجاد یک جبهه متحد از مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی و داخلی است. این به معنای هم‌افزایی توانمندی‌ها، هماهنگی مواضع سیاسی و همکاری‌های استراتژیک برای دفاع از حقوق جهان اسلام است.
- پرهیز از تفرقه و اختلاف: وحدت‌طلبی به معنای نفی هرگونه گفتار یا رفتاری است که به تفرقه و تشدید خصومت میان مسلمانان، به ویژه میان شیعه و سنی، دامن بزند. این شامل مقابله با توهین به مقدسات مذاهب دیگر و هرگونه اقدام تحریک‌آمیز است.
- وحدت به معنای تقریب مذاهب، نه ذوب شدن: وحدت‌طلبی به معنای دست کشیدن از هویت مذهبی یا ادغام فقهی شیعه و سنی در یک مذهب واحد نیست، بلکه به معنای احترام متقابل به تفاوت‌ها و تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار این تفاوت‌هاست. هدف، یافتن نقاط مشترک برای همگرایی و عمل مشترک است (مسلمی، ۲۰۲۱: ۱-۴).

تأثیر وحدت‌طلبی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی

رویکرد وحدت اسلامی صرفاً مفهومی نظری نبوده، بلکه در عمل نیز، به‌ویژه در شرایط بحرانی منطقه، به یک راهبرد فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. وحدت اسلامی مصادیق عملی به شرح ذیل دارد:

برگزاری کنفرانس‌ها و نهادسازی برای وحدت

ترویج گفت‌وگوهای میان‌مذهبی یکی از راهکارهای کلیدی این سیاست است که به‌واسطه آن، تلاش می‌شود شکاف‌ها و سوءتفاهم‌های تاریخی میان شیعه و سنی کاهش یافته و زمینه همگرایی فراهم شود. از ابتکارها و مساعی ایران جهت گستراندن تفکر اتحاد مسلمانان، برگزاری مراسم هفته وحدت است که جماعت شیعه و سنی در آن مراسم شرکت می‌کنند. در راستای عملیاتی نمودن اندیشه وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه، ایران از سال ۱۳۶۹ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را تأسیس کرد که مرکز آن در تهران است. این مجمع با حضور علما و رهبران مذهبی از کشورهای مختلف اسلامی، به بحث و تبادل نظر درباره مسائل اختلافی می‌پردازد. به‌طور مثال، کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که هر ساله به همت این مجمع برگزار می‌شود، فرصتی برای تبادل نظر و رفع سوءتفاهم‌ها میان علما و شخصیت‌های شیعه و سنی از کشورهای مختلف فراهم می‌آورد (بزرگی، ۲۰۰۵: ۷-۱۰). مجمع تقریب مذاهب اسلامی با ارسال هیئت‌هایی به کشورهای اسلامی، نقش مهمی در ترویج وحدت و مقابله با تفرقه داشته است؛ مانند سفر

هیئتی به لبنان و عراق در سال ۱۳۹۷ برای تأکید بر همبستگی مذهبی. همچنین، تدوین کتاب‌ها و مقالات مشترک میان شیعه و سنی به کاهش تعصبات کمک کرده است. این فعالیت‌ها فضای مناسبی برای همکاری مذهبی در جهان اسلام فراهم کرده و مجمع به‌عنوان بازوی دیپلماسی میان‌مذهبی جمهوری اسلامی، در کاهش تنش‌های مذهبی و تحقق سیاست امت‌گرایی نقش مؤثری داشته است (تسخیری، ۲۰۰۶: ۲۱-۱۹). به‌طور کلی، میزبانی کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی وحدت اسلامی، یکی از وجوه برجسته تحقق امت‌گرایی در عمل توسط جمهوری اسلامی ایران است.

واکنش به بحران‌های منطقه‌ای با رویکرد وحدت‌طلبانه

در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای، ایران رویکرد وحدت اسلامی را به‌عنوان ابزار حل منازعات دنبال کرده است. برای مثال، در جریان جنگ سوریه، ایران ضمن حمایت از دولت قانونی دمشق، بارها بر ضرورت گفت‌وگوی میان جریان‌های مختلف مذهبی در سوریه تأکید کرده است (نجات و جعفری ولدانی، ۲۰۱۳: ۴۱). همین رویکرد در بحران‌های بحرین و یمن نیز دیده شده؛ به‌گونه‌ای که ایران بر وحدت مسلمانان در برابر دشمن مشترک، از جمله عربستان سعودی پافشاری کرده و از اقدامات تحریک‌آمیز مذهبی پرهیز نموده است (استوار و خم پیچی، ۲۰۲۲: ۷۴). در موضوع فلسطین نیز، ایران همواره تلاش کرده موضوع قدس را به‌عنوان عامل مشترک وحدت اسلامی مطرح کند و حمایت از فلسطین را نه تنها وظیفه شیعیان، بلکه مسئولیت همه مسلمانان جهان معرفی کند (قوی، ۲۰۲۱: ۵۹). از دیگر ابعاد مهم رویکرد وحدت اسلامی، همکاری میان شیعیان و اهل سنت برای مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری مانند داعش است. ایران از طریق تأمین اطلاعات و کمک‌های نظامی به گروه‌های اهل سنت و شیعه مبارز در عراق و سوریه، به تشکیل جبهه واحد ضد تروریسم کمک کرده است (نوبدی‌نیا و گودرزی، ۲۰۲۰: ۱۰). بنابراین ایران در بحران‌های منطقه وارد شده و رویکرد اصلی‌اش در جت وحدت جهان اسلام بوده است.

پرهیز از دامن زدن به نزاع‌های فرقه‌ای

برخلاف برخی رقبای منطقه‌ای مانند عربستان سعودی که سیاست خارجی فرقه‌گرایانه دارند، جمهوری اسلامی ایران بر پرهیز از نزاع‌های فرقه‌ای و تأکید بر «امت واحده» تأکید کرده است. به‌ویژه در مواجهه با داعش، ایران با تأکید بر وحدت اهل سنت و شیعه، این بحران را به فرصتی برای تقویت گفت‌وگو و وحدت تبدیل کرد (مسعودنیا و کشتکار، ۲۰۲۰: ۸۱). پس از سقوط رژیم بعث، با افزایش تنش‌های فرقه‌ای در عراق، ایران با حمایت از گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی شیعه، اهل سنت و کردها و میانجی‌گری در اختلافات، کوشید وحدت سیاسی و مذهبی عراق را حفظ کند. نمونه‌های این تلاش‌ها شامل میانجی‌گری میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان و ایجاد ائتلاف‌های بین مذاهب است (فقیه عبداللهی و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۰۰-۱۰۲). اقدام دیگر ایران، کمک به بازسازی مساجد و اماکن مقدس اهل سنت در عراق و سوریه است. در استان‌هایی مانند دیاله و صلاح‌الدین، نهادهای ایرانی مثل کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی در بازسازی زیرساخت‌های دینی اهل سنت مشارکت کرده‌اند که نمادی عملی از وحدت‌گرایی مذهبی به

شمار می‌رود (ایف‌مات^۱، ۲۰۲۳). ایران در تقویت دیپلماسی مساجد و اماکن مقدس نیز فعال بوده است. با بهره‌برداری از ظرفیت اماکن مقدس شیعه در شهرهایی مانند کربلا، نجف و مشهد، تلاش شده فضای گفت‌وگو و گردهم‌آوری پیروان مذاهب اسلامی فراهم شود. مناسبت‌های دینی و فرهنگی مشترک میان شیعیان و اهل سنت برگزار می‌شود که به انسجام امت اسلامی کمک می‌کند. نمونه‌ای از این تلاش‌ها، «کنفرانس علما و پژوهشگران مقاومت» در بغداد سال ۲۰۲۰ است که علما و روحانیون سنی و شیعه خاورمیانه در آن حضور داشتند (واستنیج^۲، ۲۰۲۰: ۵). با این وجود تحقق وحدت اسلامی با چالش‌هایی چون اختلافات فرقه‌ای، ظهور جریان‌های تکفیری، رقابت‌های منطقه‌ای و دخالت قدرت‌های خارجی روبه‌روست که انسجام امت را تهدید می‌کند. همچنین ضعف سازمان‌های وحدت‌بخش و ناآگاهی مذهبی از دیگر موانع مهم در این مسیر است. در تحلیل سازه‌انگارانه، «وحدت‌طلبی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه یک تاکتیک صرف، بلکه برساخته‌ای از هویت انقلابی و اسلامی آن است که در گفتمان امت واحده و مقابله با استکبار معنا می‌یابد. این هویت، از طریق نهادسازی، نمادپردازی دینی و کنش‌های همگرایانه، منافع ایران را بازتعریف کرده و رفتار آن را در قالب رهبری فکری جهان اسلام مشروعیت می‌بخشد. وحدت‌طلبی بدین‌سان هم محصول هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و هم ابزاری برای بازتولید آن در صحنه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

نفی سلطه: تقابل با نظم سلطه‌گر جهانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نفی سلطه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به معنای رد هرگونه نفوذ و سلطه خارجی بر کشور است که بر استقلال کامل، خوداتکایی و ارزش‌های اسلامی تأکید دارد و ریشه در آموزه‌های دینی (به‌ویژه قاعده فقهی نفی سبیل) و تجربه تاریخی ایران دارد. نفی سلطه، نه تنها یک اصل نظری، بلکه یک راهبرد عملی برای دستیابی به استقلال واقعی و حفظ عزت و کرامت امت اسلامی در نظام بین‌الملل است (مولانا و محمدی، ۲۰۰۸: ۳۰-۲۹). این اصل به‌طور مستقیم با امت‌گرایی مرتبط است، چرا که سلطه بر یک ملت مسلمان، در واقع تضعیف کل امت محسوب می‌شود.

ابعاد نفی سلطه

– بُعد سیاسی: به معنای عدم پذیرش سلطه سیاسی قدرت‌های خارجی بر تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی کشور است. این بُعد، بر استقلال ملی و حق تعیین سرنوشت تأکید دارد و هرگونه قیومیت یا نفوذ بیگانه را مردود می‌شمارد. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، این اصل به معنای عدم پیوستن به بلوک‌های قدرت و حفظ موضع مستقل در برابر قدرت‌های بزرگ شرق و غرب است، که در شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی تجلی یافته است (نوازی، ۲۰۰۵: ۲-۱).

1. IFMAT

2. Wastnidge

- بُعد اقتصادی: به معنای رهایی از وابستگی‌های اقتصادی به قدرت‌های استکباری و تلاش برای خودکفایی و استقلال اقتصادی است. این امر شامل مقابله با نظام اقتصادی جهانی که منافع قدرت‌های بزرگ را تأمین می‌کند و تلاش برای ایجاد یک اقتصاد مقاوم و درون‌زا است که قادر به مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی باشد (فشاری و پورغفار، ۱۴۰۱: ۳۰).

- بُعد فرهنگی: به معنای مقابله با تهاجم فرهنگی و نفوذ ارزش‌ها و سبک زندگی غربی است که هویت اسلامی و ملی را تهدید می‌کند. این بُعد، بر حفظ و تقویت فرهنگ بومی-اسلامی و ترویج ارزش‌های انقلاب تأکید دارد تا از استیلای فکری و فرهنگی بیگانه جلوگیری شود (صادقی، ۱۹۹۹: ۲).

- بُعد نظامی و امنیتی: به معنای عدم وابستگی دفاعی و امنیتی به قدرت‌های خارجی و توسعه توانمندی‌های بومی برای دفاع از کشور و مقابله با تهدیدات است. این بُعد، بر تولید بومی تسلیحات و تجهیزات نظامی و عدم اتکا به کمک‌های خارجی تأکید دارد و در آن بر بازدارندگی تأکید می‌شود (علی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۰: ۷).

تأثیر اصل نفی سلطه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی

تأثیر اصل نفی سلطه بر سیاست خارجی ایران بسیار تعیین‌کننده بوده است؛ اولاً، این اصل به شکل‌گیری یک سیاست خارجی مستقل و انقلابی منجر شده که از چارچوب‌های سنتی روابط بین‌الملل فراتر می‌رود. جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه تاریخی دخالت‌های خارجی و استکبار جهانی، همواره تلاش کرده است حاکمیت و استقلال خود را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حفظ کند و مانع از شکل‌گیری سلطه بیگانه شود (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۱۸۸). ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، به هیچ‌بلوک قدرتی وابسته نیست و تلاش می‌کند مواضع خود را بر اساس ارزش‌ها و منافع امت اسلامی اتخاذ کند. این استقلال، به ایران امکان می‌دهد تا در قبال مسائل مهم جهانی، مانند مسئله فلسطین، رویکردی قاطع و بدون ملاحظه منافع قدرت‌های بزرگ داشته باشد (مولانا و محمدی، ۲۰۰۸: ۱۱۲).

ثانیاً، نفی سلطه به تقابل دائمی با قدرت‌های استکباری، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی، انجامیده است. جمهوری اسلامی، این کشورها را نمادهای اصلی سلطه جهانی می‌داند و هرگونه رابطه با آن‌ها را مغایر با اصل نفی سلطه قلمداد می‌کند. این تقابل، به محور اصلی سیاست خارجی ایران تبدیل شده و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. این مواضع، در عمل، به شکل حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه، پیشبرد برنامه هسته‌ای و نظامی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی و همچنین ایجاد جبهه‌های مختلف مقابله‌ای علیه نفوذ و سلطه غربی تجلی یافته است (موسوی‌فر، ۲۰۱۶: ۴۹۹). ایران در تقابل با آمریکا و رژیم اسرائیل به تقویت توان بازدارندگی نظامی، از جمله قابلیت موشکی و توسعه معادلات امنیتی مبتنی بر نیروهای نیابتی مثل حزب‌الله و انصارالله رو آورده است. ایران در تقابل با آمریکا و اسرائیل استراتژی شبکه‌ای امنیتی را پایه‌گذاری کرده: همکاری امنیتی با روسیه و چین، حمایت از

محور مقاومت، و حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای امنیتی (مثل اکو و شانگهای) (سیمبر و دیگران، ۲۰۱۶: ۹۸-۱۰۱).

ثالثاً، این اصل به حمایت از جنبش‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، منجر شده است. از دیدگاه ایران، این جنبش‌ها نماد مقاومت در برابر سلطه‌اند و حمایت از آن‌ها، پیاده‌سازی عملی اصل نفی سلطه در سطح فراملی و تقویت جبهه مستضعفین در برابر استکبار است. ایران با تجهیز و پشتیبانی از حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی، انصارالله در یمن و نیروهای مقاومت در عراق، شبکه‌ای منطقه‌ای از بازیگران ضدسلطه ایجاد کرده است. این حمایت‌ها، گفتمان مقاومت در برابر مداخله آمریکا و اسرائیل را تقویت کرده و به تثبیت امنیت ایران کمک می‌کند (رومی و همکاران، ۲۰۲۴: ۵۲۱).

رابعاً، نفی سلطه بر تلاش برای خودکفایی و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور تأثیر گذاشته است. سیاست‌هایی مانند اقتصاد مقاومتی، با هدف کاهش وابستگی به خارج و مقاوم‌سازی کشور در برابر تحریم‌ها، از نتایج مستقیم این اصل است (یوسف‌زاده، ۲۰۱۵: ۴۳). در نهایت، این اصل بر روابط ایران با سازمان‌های بین‌المللی نیز تأثیر گذاشته است؛ ایران در مواردی که قوانین یا رویه‌های این نهادها را تحت تأثیر سلطه قدرت‌های بزرگ یا مغایر با استقلال خود بدانند، رویکردی انتقادی اتخاذ می‌کند (مولانا و محمدی، ۲۰۰۸: ۱۳۶). در جمع‌بندی، نفی سلطه یک اصل جامع و چندبعدی است که از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت سیاسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این اصل نه تنها به معنای عدم پذیرش تسلط بیگانگان است، بلکه مستلزم تلاش فعال برای رهایی از وابستگی‌ها و ایجاد جایگاهی مستقل و عزتمند برای امت اسلامی در نظام جهانی است. تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران، شامل رویکرد ضد استکباری، حمایت از مقاومت و تأکید بر خودکفایی، عمق و جدیت این اصل را نشان می‌دهد. در چارچوب تحلیل سازه‌انگارانه، اصل «نفی سلطه» ساختاری معناپرداز است که هویت ایران را به‌عنوان کارگزار مستقل و مقاوم در برابر نظم سلطه‌گر جهانی تعریف می‌کند. این ساختار معنا، رفتار سیاست خارجی ایران را در مقابله با قدرت‌های بزرگ شکل می‌دهد و تلاش برای حفظ استقلال را مشروعیت می‌بخشد. ایران به‌عنوان کارگزار، از طریق حمایت از مقاومت و تقویت خودکفایی، در تعامل مستمر با ساختارهای سلطه جهانی و منطقه‌ای، هم‌کشگر و هم‌منتقد این نظم است. بدین ترتیب، نفی سلطه هم محصول هویت انقلابی و هم ابزاری عملی برای مقاومت و تغییر در معادلات بین‌المللی است.

نتیجه‌گیری

گفتمان امت‌گرایی، از محوری‌ترین ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. این گفتمان نه تنها الهام‌بخش رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی است، بلکه همان‌گونه که در این پژوهش تبیین شد، به‌عنوان یک چارچوب فکری-ایدئولوژیک و به‌واسطه اندیشه ام‌القری، بر سه مؤلفه بنیادین «صدور انقلاب»، «وحدت‌طلبی» و «نفی سلطه» استوار شده

و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به رویکردی فراملی و ایدئولوژیک شکل داده است. سیاست صدور انقلاب، با تکیه بر قدرت نرم، الگوسازی، حمایت از گروه‌های مقاومت، و تقویت آگاهی اسلامی در جهان، به‌عنوان ابزاری مؤثر در بسط این گفتمان عمل کرده است. همچنین، وحدت‌طلبی مذهبی با تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی، برگزاری کنفرانس‌های وحدت و مقابله با فرقه‌گرایی و تفرقه مذهبی، تعهد ایران به همگرایی اسلامی را به روشنی نشان می‌دهد. اصل نفی سلطه نیز، به‌عنوان پشتوانه نظری گفتمان امت‌گرایی، استقلال‌طلبی، مقاومت در برابر نظام سلطه جهانی و تلاش برای خودکفایی را به‌صورت عملی در سیاست خارجی کشور نهادینه کرده است. این سه مؤلفه در کنار یکدیگر، گفتمان امت‌گرایی را از یک شعار صرف به راهبردی ساختاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده‌اند که تأثیرات عمیق و پایداری بر تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران گذاشته‌اند.

این پژوهش نشان داد که اندیشه امت‌گرایی، به‌ویژه مفهوم ام‌القری، چگونه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به سمت اتخاذ رویکردی فراملی و ایدئولوژیک هدایت کرده است. این تأثیرات نه تنها در سطح گفتمان، بلکه در تحولات عملی منطقه و حتی معادلات جهانی بازتاب یافته است. برای مثال، رویکرد امت‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران را به بازیگری ایدئولوژیک و فعال در راستای اندیشه امت‌گرایی در منطقه تبدیل کرده است. این تأثیرات با خلق محور مقاومت آشکار می‌شود؛ محوری که صرفاً یک ائتلاف نظامی نیست، بلکه شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی (مانند حزب‌الله لبنان، حماس، حوثی‌های یمن و گروه‌های حشدالشعبی در عراق) است که با الهام از گفتمان امت‌گرایی و بر اساس اصول نفی سلطه و مقابله با استکبار جهانی، در برابر هژمونی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (ایالات متحده و رژیم صهیونیستی) ایستاده‌اند. این شبکه، با ایجاد چالش در نظم امنیتی و ژئوپلیتیکی تحمیلی بر خاورمیانه از سوی آمریکا و حامیان منطقه‌ای‌اش، بر تعادل قوا در منطقه و تصمیم‌گیری‌های قدرت‌های بزرگ بین‌المللی تأثیر مستقیم گذاشته است. برای نمونه، اقدامات محور مقاومت در بحران سوریه، جنگ غزه و تحولات یمن، نشان داد که چگونه بازیگران غیردولتی با حمایت ایران، قادرند معادلات را تغییر دهند و قدرت‌های بزرگ را وادار به بازنگری در استراتژی‌های خود کنند. این توانایی در به چالش کشیدن نظم موجود، نه تنها به تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران انجامیده، بلکه در شکل‌گیری یک «چندقطبی نامتقارن» در سطح بین‌المللی نیز سهم داشته است، جایی که بازیگرانی با منابع نسبتاً محدودتر، به‌واسطه ایده و ایدئولوژی، توانایی اثرگذاری بر معادلات کلان را پیدا می‌کنند.

گفتمان امت‌گرایی ساختار معنابخش‌کننده هویت و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که سه مؤلفه صدور انقلاب، وحدت‌طلبی و نفی سلطه را به هم پیوند می‌دهد. این ساختار رفتار ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی معنا می‌بخشد و نقش فعال آن در بازتعریف نظم جهانی را مشخص می‌کند. تقویت نهادسازی و تعاملات راهبردی، کلید افزایش توان ایران در برابر فشارهای خارجی است. برای ارتقای کارآمدی سیاست خارجی و پاسخ به چالش‌های جهان اسلام، ایران باید دیپلماسی عمومی و فرهنگی خود را تقویت کند، وحدت‌طلبی را به‌صورت عملی و نظام‌مند با همکاری نخبگان اهل سنت پیش ببرد و با توسعه

توان نظامی، بلوک‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای شکل دهد. موفقیت امت‌گرایی در تبدیل مقاومت به نهاده‌سازی جهان‌شمول و ارتقای قدرت نرم اسلامی است، به‌طوری‌که ایران الگویی قابل اعتماد در حکمرانی، توسعه و اتحاد فرهنگی جهان اسلام باقی بماند. بدین ترتیب، امت‌گرایی علاوه بر میراث تاریخی، افقی روشن برای آینده سیاست خارجی ایران و انسجام جهان اسلام است.

References

- Al Tarawneh, T. (2024). "The Role of Identity in the Constructivist School: A Theoretical Study with Application to the Russian-Ukrainian Conflict", *Dirasat Human and Social Sciences*, Vol. 51, No. 1: 382-395. (doi.10.35516/hum.v51i1.6867).
- Alinezhad, Mehdi, Goodarzi, Mohsen, Shojaei, Saeed (2020). "Designing a model of military deterrence from the perspective of religious teachings", *Strategic Management Studies of National Defense Studies*, Vol. 3, No. 11: 7-34. (Doi.10.1001.1.74672588.1398.3.11.1.7), (In Persian)
- Araghi, Gholamreza (2015). "The Role of cultural diplomacy in the spread of the Islamic Revolution of Iran", *Islamic Revolution Research*, Vol. 4, No. 14: 157-179. (In Persian)
- Asafari, Mohammad Hassan, Salehi, Hamid, Golmohammadi, Ahmad (2025). "Examining the impacts of the components of the revolution's export discourse on the national security of the Islamic republic of Iran", *Majlis & Rahbord*, Vol. 32, No. 121: 399-43. (Doi.10.22034/mr.2024.15381.5541), (In Persian)
- Azghandi, Alireza (2002). *Foreign policy of the Islamic republic of Iran*, Tehran: Qomes. (In Persian)
- Behestani, Majid, Nassaj, Mohsen (2023). "Examining the challenges of the policy of exporting the revolution for the foreign policy of the Islamic Republic of Iran according to the systemic theory", *Research Journal of Islamic Revolution*, Vol. 13, No. 46: 47-68. (Doi.10.22084/rjir.2023.26701.3527), (In Persian)
- Bijan, Aref (2016). "The role of the ideas of the Islamic Revolution of Iran in Islamic awakening", *Politics Quarterly*, Vol. 3, No. 12: 95-107. (In Persian)
- Bozorgy, Seyyed Mehdi (2005). "The role of the Islamic revolution in the awakening and unity of muslims", *Andisheh Taqrib*, Vol. 2, No. 5: 1-13. (In Persian)
- Burchill, S. (2013). *Theories of international relations*, Translation: Sajjad Heydarifard, Tehran: Jihad Daneshgahi. (In Persian)
- Cahan, J. A. (2018). "National Identity and The Limits of Constructivism in International Relations Theory: A Case Study of the Suez Canal", *National and Nationalism*, Vol. 25, No. 2: 478-498. (doi/10.1111/nana.12423).
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2009). "The discourse of justice in the foreign policy of the Islamic republic of Iran", *Political Knowledge*, Vol. 1, No. 1: 157-193. (In Persian)

- Dehshiri, Mohammad Reza (1998). “The theory of the Islamic revolution from the perspective of Imam Khomeini”, *Huzoor Journal*, 26: 1-12. (In Persian)
- Erbas, Isa (2022). “Constructivist approach in foreign policy and in international relations”, *Journal of Positive School Psychology*, Vol. 6, No. 3: 5087-5096.
- Fadaei Dolat, Fereydoun, Aghaei, Seyed Davood (2020). “Investigating the responsibility of the Islamic republic of Iran to support the Syrian crisis”, *Journal of Islamic Human Rights*, Vol. 9, No. 18: 224-203. (Dor.20.1001.1.23225637.1399.9.1.9.2), (In Persian)
- Faqih Abdollahi, Abbas, Zakarian, Mehdi, Tajik, Hadi (2023). “Islamic republic of Iran’s foreign policy in Iraq after its appearance according to responsibility to protect doctrine”, *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, Vol. 5, No. 14: 112-90. (Doi.10.22034/FASIW.2023.381035.1239), (In Persian)
- Farzani Ardakani, Abbas Ali (2008). “Theoretical basis for export of revolution in Imam Khomeini’s ideas (reasons, importance, and necessity of exporting revolution)”, *Research Journal Matin*, Vol. 9, No. 36: 97-117. (In Persian)
- Feshari, Majid, Pourghaffar, Javad (2014). “Investigation and explanation of the resistance economic model in the Iranian economy”, *Economic Journal*, Vol. 2, No. 5: 29-40. (In Persian)
- Ghavi, Nayyereh (2021). “Applying the views of Imam Khomeini and the Supreme Leader in reviving the Palestinian Islamic identity in the new world geometry”, *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, vol. 11, no. 2: 59-82. (Doi.10.22059/jstmt.2021.312448.1411), (In Persian)
- Guzzini, S. (2000). “A Reconstruction of Constructivism in International Relations”, *European Journal of International Relations*, Vol. 6, No. 2: 147-182. (doi.org/10.1177/13540661000060020).
- Hajibabayi, Somayeh (2009). “Quranic usage of Ummi”, *Religious Anthropology*, Vol. 5, No. 17: 85-101. (In Persian)
- IFMAT. (5/6/2023). “Tehran’s shiification of Syria: Iran’s hegemonic drive – analysis”, IFMAT, Available at: <https://www.ifmat.org/01/05/tehrans-shiification-of-syria-irans-hegemonic-drive-analysis/>
- Kalantari, Abdul Hossein, Vefghi, Ali (2015). “Global city or umm al-qura’i of the Islamic world?”, *First International Conference on Social Sciences and Sociology*, Abadeh, Available at: <https://civilica.com/doc/550901>, (In Persian)
- Khalili, Mohsen, Azmoodeh, Fahimeh (2010). “The historical background of excellence-oriented foreign policy ideas”, *Public Law Research*, Vol. 12, No. 29: 99-154. (In Persian)
- Khani, Hossein (2014). “The Ummah -oriented foreign policy of the Islamic republic of Iran; Comparing the two doctrines of umm al-qura and increasing engagement”, *Political Strategic Studies*, Vol. 2, No. 8: 10-32. (In Persian)
- Khani, Mohammad Hassan, Mohammadi Sirat, Hossein (2016). “The impact of ideology on national interests and national security in foreign policy of the Islamic republic of Iran; emphasizing on Imam Khomeini’s ideas (ra)”, *Political Research in the Islamic World*, Vol. 6, No. 14: 91-117. (Doi.10.21859/prw-060604), (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2010). *The religion of the Islamic revolution: a selection of the thoughts and opinions of Imam Khomeini*, Qom: Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian)

- Kohkan, Alireza, Nezakati, Farkhonde (2014). “Public diplomacy in Saudi Arabia’s foreign policy”, *World Politics*, Vol. 3, No. 3: 234-205. (In Persian)
- Koohkan, Mohammad Mahdi, Ghorbanali Doolabi, Majid (2023). “Prioritizing the foreign policy actions of the Islamic state from a jurisprudential perspective”, *State Studies*, Vol. 9, No. 34: 240-215. (Doi.10.22054/tssq.2023.66107.12169), (In Persian)
- Mahmoudikia, Mohammad, Dehshiri, Mohammad Reza (2020). “The ratio of pragmatism to ideology in Iran’s foreign policy; strategic or tactical approach”, *Political Strategic studies*, Vol. 9, No. 32: 10-36. (Doi. 10.22054/qps.2019.31483.1957), (In Persian)
- Masoudnia, Hossein, Keshtcar, Abootaleb (2020). “The Strategy of the Islamic republic of Iran in ISIL’s defeat in the west Asia region”, *Foreign Policy*, Vol. 34, No. 3: 75-96. (In Persian)
- Mirmahmoodi, Tooraj (2021). “Nationalism among muslim and western nations and the impact of nationalism on the unity of the Islamic world”, *Islamic Social Studies*, Vol. 27, No. 123: 313-338. (Doi.10.30513/iss.2021.2215.1130), (In Persian)
- Montazerolgaem, Asghar, Ghorbani, Saeed, Aghaei, Mohammad Maosud (2016). “Iran’s Islamic revolution impact on the activities of jihadist groups in palestine case study: a comparative study of the impact of the reform discourse states and conservative state”, *Political Science Quarterly*, Vol.11, No. 39: 101-119. (In Persian)
- Moshirzadeh, Homeira (2015). *Development in international relations theories*, Tehran: samt. (In Persian)
- Moslemy, Hassan (2021). “Rapproach between islamic denominations in the light of the thought of the imams of the islamic revolution”, *The First Provincial Conference of Farhangian University, Rapprochement of Denominations from Theory to Practice*, Available at: <https://civilica.com/doc/1414758>, (In Persian)
- Mousavifar, Razieh (2016). “The relationship between Iran and Usa; the issue of Israel”, *Politics Quarterly*, Vol. 46, No. 2: 514-497. (Doi.10.22059/jpq.2016.57945), (In Persian)
- Mowlana, Seyyed Hamid, Mohammadi, Manouchehr (2008). *Foreign policy of the islamic republic of iran in the Ahmadinejad administration*, Tehran: Dadgostar. (In Persian)
- Navazeni, Bahram (2005). “An explanation of neither east nor west”, *Zamaneh Magazine*, no. 41-42: 1-13.
- Navidinia, Farzad, Goodarzi, Mahnaz (2020). “The regional position of Iran and Saudi Arabia in the post-ISIS period”, *Political Research in the Islamic World*, Vol. 10, No. 1: 1-26. (Doi.10.21859/priw-100101), (In Persian)
- Nejat, Seyed Ali; Jafari Valdani, Ali Asghar (2013). “Investigating the role of Islamic republic of Iran in Syria crisis”, *Political Research*, Vol. 3, No. 8: 29-49. (In Persian)
- Ostowar, Mojtaba, Khampichi, Abolfazl (2022). “The Islamic republic of Iran’s approach to the popular uprisings in bahrain and yemen, opportunities and challenges”, *Political Discourse of the Islamic Revolution*, Vol. 1, No. 1: 60-78. (In Persian)
- Rafie, Hossein (2015). “The Impact of wahhabism in pakistan on the country’s relations with the Islamic republic of Iran”, *International Relations Studies*, Vol. 8, No. 32: 211-177. (In Persian)
- Rashid Kordestani, Mohammad Reza, Azghandi, Ali Reza (2020). “The study of ayatollah khomeini’s doctrine of exporting the Islamic revolution in the foreign policy of

- the islamic republic of Iran (1979-1984)", Research letter of Political Science, Vol. 15, No. 4: 143-188. (Doi.10.22034/ipsa.2020.420), (In Persian)
- Roomi, F. & Kazemi, E. & Motahari, Z. (2024). "The resistance Axis and the Islamic Republic of Iran's Regional Policy: Challenges and Opportunities", Biannual of Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 13, No. 36: 542-521. Doi.10.22034/irfa.2024.429197.1228
 - Sadeghi, Nabi (1999). "Ways to counteract cultural invasion", Farhang Kowsar, No. 25: 1-14. (In Persian)
 - Simbar, Reza, Rahmdel, Reza, Fallah, Mahsa (2016). "Iran nuclear security dilemma from the perspective of neo-realism", International Relations Studies, Vol. 9, No. 36: 88-106. (In Persian)
 - Soleimani, Baqer, Esmailzadeh, Ali (2020). "The necessity and manner of supporting the liberation movements and the axis of resistance with emphasis on the intellectual system of the Imams of the Islamic revolution", Training of the Islamic Revolutionary Guard Corps, Vol. 9, No. 19: 101-130. (In Persian)
 - Taskhiri, Mohammad Ali (2006). "A discourse on Islamic unity and the rapprochement of religions", Andisheh Taqrib, Vol. 2, No. 8: 13-24. (In Persian)
 - Theys, S. (2018). "Introducing Constructivism in International Relations Theory", E-International Relations, Available At: <https://Www.E-Ir.Info/Pdf/72842>. (doi.10.0410/cata/bbe52ef6c53a0b0580538a9f4a9d9bf9).
 - Vazirian, Amir Hussein (2021). "The advisory forces of the Islamic revolution and transformation of Iran's regional policy in 2003-2020", Security Horizons, Vol.13, No. 49: 84-55. (In Persian) (Doi.20.1001.1.25381857.1399.13.49.3.4)
 - Wastnidge, E. (2020). "Iran's Shia Diplomacy: Religious Identity and Foreign Policy in the Islamic Republic", Berkley Center for Religion, Peace, and World Affairs. Available at: <https://oro.open.ac.uk/82392/>
 - Yousefzadeh, Mohsen (2015). "Resistance economy, approach to countering sanctions", National Conference on Resistance Economy, Challenges, Realities, Solutions. Razi University, May 5-6. (In Persian)
 - Zolfaghari, Mehdi (2023). *Foreign policy of the Islamic republic of Iran; theory and practice*, Collection of Articles, Lorestan: Lorestan University. (In Persian)